

مداخله سازمان‌های غیردولتی به منزله «دوست دادگاه» در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها

محمدحسین رضائی قوام‌آبادی^۱، هیوا حاجی‌ملا^{۲*}

چکیده

یکی از اشکال مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌های بین‌المللی، حضور در قالب تأسیس حقوقی «دوست دادگاه» است. آن‌ها از طریق این نهاد حقوقی می‌توانند، اظهارات خود در خصوص وقایع و قواعد حاکم بر دعوی را به صورت مکتوب یا شفاهی به دادگاه تقدیم کنند. اما واکنش مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی نسبت بدین شیوه مشارکت یکسان نبوده است. در این میان رویکرد دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها بر خلاف دیوان بین‌المللی دادگستری که از پذیرش لایحه دوستان دادگاه از سوی سازمان‌های غیردولتی اجتناب کرده، اندکی منعطف بوده است. به همین جهت پژوهش پیش‌روی بر آن است تا جهات انعطاف در رویه قضایی دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها را در پرتو قضایای اخیر مطرح‌شده در آن نهاد نشان دهد.

کلیدواژگان

اتحادیه حفاظت از طبیعت، جنبش صلح سبز، دوست دادگاه، دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها، سازمان‌های غیردولتی.

۱. دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دوره دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: hiwa.hajimolla@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۶

مقدمه

مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند دادرسی‌های بین‌المللی به دو شکل مشارکت مستقیم و غیرمستقیم محقق می‌شود. مشارکت مستقیم زمانی است که یکی از حقوق بنیادین این سازمان‌ها نقض می‌شود و آن‌ها می‌توانند بدون حمایت دیپلماتیک دولت‌های متبوعشان در پی دادخواهی برآیند. سر هرش لاتریاچت در سال ۱۹۴۷ مقاله‌ای با عنوان «تابعان حقوق بین‌الملل»^۱ نوشت و در آن اذعان کرد: «اشکار خواهد شد هیچ چیزی در ماهیت ساختاری حقوق بین‌الملل وجود ندارد که افراد و به طور کلی اشخاصی غیر از دولت‌ها را از طرف واقع‌شدن در رسیدگی‌های پیشگاه دادگاه‌های بین‌المللی بازدارد» (Lauterpacht, 1947: 453). نظام حقوق بین‌الملل از آن زمان تاکنون با رشد و توسعه زیادی همراه بوده است و هر روزه بر نهادینه‌سازی مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند دادرسی‌های بین‌المللی افزوده می‌شود، اما حضور آن‌ها در پیشگاه دادگاه‌های بین‌المللی به شکل مشارکت مستقیم کماکان با مقاومت دولت‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی روبه‌روست. مشارکت غیرمستقیم سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌های بین‌المللی بیشتر در قالب تأسیس حقوقی «دوست/یاور دادگاه»^۲ تحقق می‌یابد.

«دوست دادگاه» نهادی برخاسته از حقوق داخلی است که به‌منزله سازوکار مناسبی برای مشارکت ثالث در فرایند رسیدگی‌های قضایی و داوری محسوب می‌شود. بدین ترتیب که آن‌ها به طور غیرمستقیم در دادرسی مداخله می‌کنند و اطلاعات تکمیلی را با رضایت دادگاه در اختیار مرجع رسیدگی‌کننده می‌گذارند. ارائه اطلاعات در اوایل به ابتکار خود دوستان دادگاه بود، اما با گذشت زمان دعوت دادگاه در بیشتر پرونده‌ها الزامی شد (Gómez, 2012: 516)، به طوری که امروزه دادگاه نیز می‌تواند از افراد ثالث رأساً درخواست اطلاعات کند. در هر صورت دوست دادگاه دلایل و نوع مشارکت خود را در قالب «لایحه دوست دادگاه»^۳ مشخص می‌کند و در اختیار دادگاه قرار می‌دهد. در این لایحه، دوست دادگاه نظرهای خود را راجع به وقایع و قواعد حاکم بر قضیه در دست بررسی، تحلیل حقوقی، استدلال‌ها و حقایقی که از سوی طرفین دعوی به آن توجه نشده یا به دلایل مثلاً فنی یا ملاحظات دیگر، به طور کامل ارائه نشده است، بیان می‌دارد (Dinah, 1994: 617).

در این خصوص باید «وارد ثالث»^۴ در دادرسی را از مداخله دوستان دادگاه تفکیک کرد، زیرا وارد ثالث شخصی است که نه جزو طرفین دعواست و نه از کسی نمایندگی می‌کند (رمضانی، ۱۳۸۷: ۱۵۴)، در عین حال از حقوق و تکالیفی مشابه طرفین اصلی دعوا برخوردار می‌شود. اما کشور یا سازمانی که به‌منزله دوست دادگاه تقاضای همکاری با محکمه را دارد، درگیر در پرونده نیست یا اساساً هیچ منفعتی در قضیه مورد اختلاف ندارد، اگر هم ذی‌نفع

1. The Subjects of the Law of Nations.

2. Amicus Curiae/plural Amici Curiae (Friend of the Court).

3. Amicus Curiae Brief.

4. Intervener.

باشد، منفعت وی به‌قدری حساس نیست که توجیه‌کننده حضور وی در روند رسیدگی به‌منزله طرف دعوی باشد. به همین دلیل دوست دادگاه حق ثبت دادخواست، مشاهده مدارک و ادله ارائه‌شده از سوی طرفین و ... را ندارد (Loretta, 1984: 525).

دلیل اصلی مخالفت برخی حقوق‌دانان و کشورها با به‌رسمیت‌شناختن «دوست دادگاه» نیز همین نفع‌نداشتن و گاهاً بی‌ارتباطی مسئله به متقاضی است. اما این مسئله درخصوص «سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی» اندکی متفاوت است، زیرا در پرونده ترافعی خاص، طرفین دعوا ممکن است منافع یا نظرهای جامعه یا گروه‌های خاصی را در یک جامعه بزرگ‌تر به طرز شایسته‌ای نشان ندهند (Juaristi, 2013: 3). از این منظر سازمان‌های غیردولتی وضعیت ویژه‌ای دارند و قادرند براساس منافع عامه وارد عمل شوند (رضائی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)، زیرا آن‌ها عمدتاً در پی نفع شخصی نیستند. از سوی دیگر، این سازمان‌ها به دلیل اینکه مخاطبان مستقیم حقوق بین‌الملل به حساب نمی‌آیند، در اختلافات بین‌المللی جایگاهی ندارند و نمی‌توان برای حضور آن‌ها در روند رسیدگی مبنایی قانونی یافت. به عبارت دیگر، این سازمان‌ها اصولاً نمی‌توانند مخاطب اختلاف بین‌المللی قرار گیرند. به همین دلیل تنها روش برای ترتیب اثر دادن به نظرهای آن‌ها -مخصوصاً زمانی که به طور مستقیم از پرونده‌ای متأثر شده‌اند- قبول اظهارات آن‌ها به‌منزله دوست دادگاه است.

اما برخورد مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی در قالب نهاد دوست دادگاه به یک شکل نبوده است. تعدادی از مراجع بین‌المللی همچون سازمان جهانی تجارت^۱ و

۱. موضوع پذیرفتن لوایح دوستان دادگاه از مدت‌ها در سازمان جهانی تجارت محل اختلاف بوده است. تفاهم‌نامه حل‌وفصل اختلاف در این مورد ساکت است. بنابراین، باید به رویه هیئت‌های رسیدگی رجوع کرد. در قضیه ایالات متحده آمریکا - سرب و بیسموت ۲- رکن استیناف درخصوص اختیارش برای پذیرش و بررسی اظهارات دوستان دادگاه که آن را در رسیدگی استینافی تقدیم کردند، حکم داد: «در بررسی این موضوع، نخست یادآور می‌شویم که هیچ مقرراتی در تفاهم‌نامه حل‌وفصل اختلافات یا آیین‌های کاری مشخصاً پیش‌بینی نمی‌کند که رکن استیناف نمی‌تواند اظهارات یا لوایحی از منابعی غیر از مشارکت‌کنندگان و مشارکت‌کنندگان ثالث در مرحله استیناف بپذیرد و بررسی کند. از سوی دیگر، هیچ کدام از تفاهم‌نامه‌ها یا آیین‌های کاری به‌صراحت پذیرش و بررسی چنین لوایحی را منع نمی‌کنند. ما بر این باوریم مادام که مطابق با مقررات تفاهم‌نامه و موافقت‌نامه تحت پوشش عمل می‌کنیم، اختیاری قانونی داریم تصمیم به قبول کردن یا نکردن و بررسی اطلاعاتی بگیریم که معتقدیم ذی‌ربط و در استیناف مفید است. در این یافته ما، از یک‌سو، میان طرف‌ها و طرف‌های ثالث که حق قانونی مشارکت در رسیدگی‌های هیئت و رکن استیناف دارند و از سوی دیگر، افراد و سازمان‌های خصوصی، که عضو سازمان جهانی تجارت نیستند و از این رو، حق قانونی مشارکت در فرایند رسیدگی را ندارند تفکیک نهادیم»^۱ (WT/DS138/AB/R, 10 May 2000). اما رکن استیناف با وجود پذیرش کلی لایحه دوستان دادگاه در رویه خود، اندکی از آن‌ها را مفید تشخیص داده است، زیرا درخصوص این مسئله اختلاف‌نظر عمیقی بین دولت‌های عضو سازمان جهانی تجارت وجود دارد. یکی از دلایل اصلی مخالفت بسیاری از اعضا به‌ویژه کشورهای عضو در حال توسعه با لایحه دوستان دادگاه در سازمان جهانی تجارت این است که آن‌ها واهمه دارند که اجازه‌دادن به طرح اظهارات سازمان‌های غیردولتی عنصر دیگری به آنچه کشورهای در حال توسعه توازن‌نداشتن در نظام حل اختلاف می‌دانستند، خواهد افزود. زیرا سازمان‌های غیردولتی که ممکن است درصدد ارائه لوایح برآیند اکثراً در

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی^۱، مداخله سازمان‌های غیردولتی در قالب دوستان دادگاه را پذیرفته‌اند، اما دیوان بین‌المللی دادگستری به قبول مشارکت سازمان‌های غیردولتی تمایل چندانی نداشته و در هیچ‌یک از رسیدگی‌های مشورتی و ترافیعی به سازمان‌های غیردولتی اجازه مشارکت نداده است. دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها در زمینه مشارکت دوستان دادگاه قواعدی برگرفته از اساس‌نامه و قواعد آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری دارد، اما در رویه خود اندکی انعطاف نشان داده است. به همین جهت در تحقیق پیش‌رو تلاش داریم تا رویکرد دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها را نسبت به این تأسیس حقوقی بررسی کنیم و به این سؤال پاسخ دهیم که دادگاه مذکور به چه میزان از حضور سازمان‌های غیردولتی به‌منزله دوست دادگاه در فرایند رسیدگی‌ها استقبال کرده است؟ به‌منظور پاسخ به سؤال مذکور، پس از مطالعه مبنای قانونی مداخله دوستان دادگاه در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها (مبحث اول)، عملکرد دادگاه را در این باره بررسی خواهیم کرد (مبحث دوم).

مبنای قانونی مداخله «دوستان دادگاه» در دادگاه بین‌المللی حقوق

دریاها

دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها نهاد قضایی مستقلی است که به موجب ضمیمه ۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل در خصوص حقوق دریاها تأسیس شد و پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون

کشورهای توسعه‌یافته مستقرند و اغلب آن‌ها نیز مواضعی اتخاذ کرده‌اند که با منافع و سیاست‌های کشورهای عضو در حال توسعه سازگاری نداشته است (Bossche, 2005: 200).

۱. مبنای حقوقی مشارکت سازمان‌های غیردولتی در قالب دوست دادگاه در دیوان بین‌المللی کیفری، ماده (۱) ۱۰۳ قواعد آیین دادرسی دیوان است که به موجب آن یک شعبه در هر مرحله از رسیدگی، اگر برای رسیدگی متناسب پرونده این امر را مطلوب تشخیص دهد، می‌تواند از دولت، سازمان یا شخص دعوت کند تا ملاحظات خود را در خصوص هر موضوعی که شعبه متناسب تشخیص دهد به صورت کتبی یا شفاهی تقدیم دیوان کند یا در مواردی که آن‌ها به ابتکار خود اطلاعاتی تقدیم می‌کنند، چنین مجوزی اعطا شود. سازمان‌های غیردولتی در موارد متعددی با استناد به این ماده لوایحی را تقدیم دیوان کرده‌اند. برای مثال، در ۱۲ می ۲۰۱۲، شعبه اول مقدماتی این دیوان هنگام رسیدگی به پرونده دادستان علیه سیفالاسلام و عبدالله السنوسی پذیرفت که اظهارات سازمان غیردولتی «مدافعان عدالت در لیبی» را استماع کند. در این پرونده سازمان غیردولتی مذکور خواهان تقدیم لایحه‌ای به دیوان به موجب ماده ۱۰۳ در خصوص مفاهیم «توانایی» و «تمایل» مندرج در ماده ۱۷ اساس‌نامه شد (ICC, 2012: para. 3). شعبه رسیدگی نیز بعد از یادآوری ماده ۱۰۳ قواعد آیین دادرسی اظهار داشت شعبه تشخیص می‌دهد که متقاضیان واجد شرایط مقرر در این ماده‌اند (ICC, 2012: para. 6). در ادامه نیز مقرر داشت که متهم و دادستان باید فرصت کافی برای پاسخ به اظهارات دریافت‌شده به موجب ماده (۱) ۱۰۳ داشته باشند (ICC, 2012: para. 7). مواد ۷۴ قواعد آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا نیز با به‌کارگیری واژه بسیار موسع «هر سازمان» این امکان را برای دادگاه‌ها فراهم می‌کند که از سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی دعوت یا اجازه مشارکت به آن رسیدگی‌ها داده شود.

در سال ۱۹۹۴، دادگاه در سال ۱۹۹۶ آغاز به کار کرد. دادگاه صلاحیت رسیدگی به همه اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای کنوانسیون حقوق دریاها را دارد و به جز در مواردی که طرفین به‌گونه‌ای دیگر توافق کرده باشند، صلاحیت دادگاه در خصوص آزادی فوری کشتی‌ها و کارکنان و اقدامات موقتی تا زمان تشکیل دیوان داوری اجباری است. شعبه اختلافات بستر دریاها نیز صلاحیت صدور نظریه مشورتی را در اختلافات راجع به فعالیت‌های «منطقه»^۱ داراست. قبل از بررسی مقررات دادگاه راجع به مشارکت دوستان دادگاه در رسیدگی‌ها، لازم است در ابتدا زمینه و سیاق چنین مشارکتی بررسی شود.

۱. دسترسی به دادگاه

در خصوص «دسترسی به دادگاه» بند ۱ ماده ۲۰ اساس‌نامه مقرر می‌دارد که دادگاه به روی کشورهای عضو کنوانسیون باز است. ماده (۲.۱) ۱ کنوانسیون حقوق دریاها، دولت‌های عضو را به‌منزله دولت‌هایی معرفی می‌کند که به التزام در برابر کنوانسیون رضایت داده و کنوانسیون نسبت به آن‌ها لازم‌الاجرا باشد. علاوه بر این، ماده ۳۰۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد که کنوانسیون برای امضای اشخاصی غیر از دولت‌ها، از جمله سازمان‌های بین‌المللی باز خواهد بود. ماده ۱ ضمیمه ۹ تحت عنوان مشارکت سازمان‌های بین‌المللی اشعار می‌دارد: «مقصود ماده ۳۰۵ و ضمیمه حاضر از «سازمان بین‌المللی» یک سازمان بین‌الدولی تشکیل شده توسط دولت‌هاست که دولت‌های عضو آن در مورد موضوعات تحت قلمرو کنوانسیون به آن‌ها صلاحیت اعطا کرده‌اند...». جامعه اروپا با استناد به این مقرر در سال ۱۹۹۸ کنوانسیون را تصویب کرد و تاکنون تنها سازمان بین‌المللی عضو کنوانسیون است.

اما دسترسی به دادگاه محدود به اشخاص ذکر شده نیست، زیرا بند ۲ ماده ۲۰ دامنه صلاحیت دادگاه را به اشخاص دیگری گسترش داده است و اشعار می‌دارد: «سایر اشخاص به اعتبار مواردی می‌توانند نزد دادگاه حضور یابند که به‌صراحت در قسمت یازدهم کنوانسیون پیش‌بینی گردیده و یا برای رسیدگی به هر اختلافی که به موجب موافقت‌نامه دیگری به دادگاه ارجاع شده و در مورد آن کلیه طرف‌های دعوا صلاحیت دادگاه برای رسیدگی را پذیرفته‌اند». منظور از بخش یازده مورد اشاره در این ماده، بخشی است که فعالیت‌های در منطقه را تنظیم می‌کند، که دسترسی به آن موسع‌تر از دسترسی به دادگاه است. ماده ۱۸۷ بخش یازده کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می‌دارد که در اختلافات راجع به فعالیت‌های در منطقه، شعبه مربوطه دادگاه صلاحیت رسیدگی به اختلافات بین دولت‌ها و اعضای غیردولتی، از جمله

۱. اعماق دریاها و زیر بستر آن‌ها ماورای قلمرو صلاحیت ملی کشورها، که با عنوان «میراث مشترک بشریت» شناخته می‌شود، منطقه «area» نام دارد.

شرکت‌های دولتی و اشخاص حقیقی یا حقوقی را دارد (UNCLOS, 1982: art. 187). در خصوص «هر موافقت‌نامه‌ی دیگر اعطای صلاحیت به دادگاه» نظرهای مختلفی وجود دارد. تعدادی از نویسندگان بر این باورند که عبارت‌بندی مذکور نشان از «پذیرش نظری» سازمان‌های غیردولتی دارد (Rah & wallrabenstein, 2006: 18). اما پذیرفتن چنین استدلالی دشوار است، زیرا همچنان که در ماده (۲) ۲۸۸ بیان شده است، «موافقت‌نامه» تنها می‌تواند «موافقت‌نامه‌ی عمومی بین‌المللی» باشد، بدین معنا که صلاحیت ترافیعی دادگاه برای اشخاص خصوصی باز نخواهد بود. به‌زعم فیلیپ گوتر، مدیر دفتر دادگاه، حتی اگر واژه «موافقت‌نامه» مذکور در بند ۲ ماده ۲۰ همان‌طور که در بند ۲ ماده ۲۸۸ مقرر است دلالت بر «موافقت‌نامه‌ی عمومی بین‌المللی» داشته باشد، دسترسی به دادگاه حقوق دریاها تنها به روی نهادهایی باز خواهد بود که دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی‌اند. اما این مسئله که کدام نهادها شخصیت حقوقی بین‌المللی دارند باید بر مبنای «نیازهای جامعه‌ی بین‌المللی» تعیین شود (Zengerling, 2008: 126).

۲. «دوستان دادگاه» در قواعد آیین دادرسی دادگاه

کنوانسیون حقوق دریاها امکان مداخله‌ی دوست دادگاه در رسیدگی‌های دادگاه را پیش‌بینی نکرده است. اما قواعد آیین دادرسی دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها که مشابه قواعد مربوطه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری تنظیم شده است، مداخله با عنوان دوست دادگاه را در رسیدگی‌های ترافیعی و مشورتی اجازه داده است.^۱

۲.۱. رسیدگی‌های ترافیعی

در خصوص رسیدگی‌های ترافیعی، ماده ۸۴ قواعد آیین دادرسی نحوه‌ی مداخله‌ی دوستان دادگاه را در این رسیدگی‌ها مشخص کرده است. این مشارکت به دو شکل اساسی صورت می‌گیرد:

۱. **بالا به پایین:** یعنی زمانی که از سوی دادگاه درخواست می‌شود. این وضعیت‌ها ممکن

است سه منشأ مشخص داشته باشند:

الف) زمانی که از سوی طرف دعوی درخواست می‌شود؛

ب) زمانی که از سوی دادگاه و به ابتکار خودش درخواست می‌شود؛

ج) در یک مورد خاص، زمانی که قضیه‌ی مطروحه نزد دادگاه مرتبط با تفسیر سند تأسیس یک سازمان بین‌المللی یا مرتبط با یک کنوانسیون بین‌المللی باشد که طبق سند تأسیس سازمان‌های بین‌المللی تصویب شده است، در هر زمانی قبل از خاتمه‌ی رسیدگی‌های شفاهی،

1. ITLOS, Rules of the Tribunal, sec. H, art. 130 (Mar. 17, 2009), available at: http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/basic_texts/Itlos_8_E_17_03_09.pdf.

دادگاه ممکن است از سازمان درخواست کند «اطلاعات مرتبط با قضیه مطروحه نزد آن را ارائه دهد».

۲) داوطلبانه: زمانی است که یک سازمان بین‌الدولی به ابتکار خود و بدون درخواست دادگاه می‌خواهد اطلاعاتی مرتبط با قضیه را ارائه دهد.

ماده ۸۴ بیانی مفصل و اصلاح‌شده از بند ۲ و ۳ ماده ۳۴ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری است که از طریق ماده ۶۹ قواعد آیین دادرسی دیوان تکمیل شده است. به موجب ماده (۲) ۳۴ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری، در رسیدگی‌های ترافی دیوان می‌تواند تنها از «سازمان‌های بین‌المللی عمومی» اطلاعات بخواهد یا اطلاعاتی را که این سازمان‌ها به ابتکار خود به دیوان می‌دهند، دریافت کند.^۱ ماده (۴) ۶۹ قواعد آیین دادرسی بیان می‌دارد که اصطلاح «سازمان بین‌المللی عمومی» دلالت بر یک سازمان بین‌المللی متشکل از دولت‌ها دارد.^۲ بر همین اساس دیوان درخواست مشارکت سازمان‌های غیردولتی را رد کرده است.^۳

۲.۲. رسیدگی‌های مشورتی

در رسیدگی‌های مشورتی، شعبه اختلافات بستر دریاها به موجب ماده ۱۳۳ قواعد آیین دادرسی می‌تواند از سازمان‌های بین‌الدولی مربوطه درخواست اطلاعات کند. در این شیوه رسیدگی مشارکت دوستان دادگاه تنها به صورت بالا به پایین امکان‌پذیر است. پس از آنکه درخواست نظریه مشورتی تقدیم شد، مدیر دفتر دادگاه وصول آن را به همه دولت‌های عضو

۱. طبق بند ۲ ماده ۳۴ اساس‌نامه: «۱. ...، ۲. دیوان می‌تواند طبق شرایط مقرر در آیین‌نامه خود در مورد دعاوی که به دیوان ارجاع شده است، از سازمان بین‌المللی عمومی اطلاعات بخواهد و نیز اطلاعاتی را که این سازمان‌ها به ابتکار خود به دیوان می‌دهند، دریافت کند، ۳. ...».

2. International Court of Justice, Rules of Court (1978), as Amended on 5 December 2000.

۳. در قضیه پناهندگی، سازمان غیردولتی «اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر» برای تقدیم بیانیه‌های کتبی یا شفاهی از دیوان درخواست مجوز کرد (I.C.J., Asylum case (Colombia v. Peru), 1949–1950, judgement on the merits delivered on 20 November 1950). یکی از اعضای هیئت‌مدیره اتحادیه به مدیر دفتر دیوان درخواستی نوشت و از او خواست تعیین کند که آیا اتحادیه یک سازمان بین‌المللی عمومی در مفهوم ماده ۳۴ اساس‌نامه است یا خیر؟ (Letter from Robert Delson, Asylum case, 1950 ICJ Pleadings, II, 1950, 227). مدیر دفتر دیوان مشارکت اتحادیه را طی تلگرامی با این مضمون رد کرد: «دیوان تشخیص می‌دهد که ماده ۳۴ قابل اعمال نیست، چراکه اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر را نمی‌توان به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی عمومی همان‌طور که در اساس‌نامه پیش‌بینی شده است، توصیف کرد» (Telegram from the Registrar, Asylum case, 1950 ICJ Pleadings, II, 228). بنابراین، سازمان‌های غیردولتی امکان مداخله در رسیدگی‌های ترافی را به‌منزله دوست دادگاه ندارند، اما دولت‌ها می‌توانند لایحه کتبی دوست دادگاه را به‌مثابه بخشی از اظهارات خودشان تقدیم کنند. برای مثال، در قضیه پروژه سد گاپچیگوناگیماروس دولت مجارستان لایحه تهیه‌شده از سوی مؤسسه میراث ملی و شبکه رودخانه بین‌المللی را تقدیم دیوان کرد (Lindblom, 2005: 306).

اعلام می‌دارد. در خصوص سازمان‌های بین‌الدولی نیز ماده (۲) ۱۳۳ اشعار می‌دارد: «شعبه، یا در صورت دایرنبودن آن ریاست شعبه، سازمان‌های بین‌الدولی را که احتمالاً قادر به ارائه اطلاعات در مورد چنین مسئله‌ای باشند، شناسایی خواهد کرد. مدیر دفتر باید این درخواست را به اطلاع چنین سازمان‌هایی برساند». دولت‌ها و سازمان‌های ذکر شده در بند ۲ برای ارائه نظرهای خود در محدوده زمانی مشخص دعوت می‌شوند. این ماده نیز برگرفته از ماده ۶۶ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری است،^۱ با این تفاوت که قواعد آیین دادرسی دیوان به جای «سازمان‌های بین‌الدولی»، اصطلاح «سازمان‌های بین‌المللی» را به کار گرفته است.^۲ هر چند در پیش‌نویس اولیه ماده ۱۳۳ قواعد آیین دادرسی عبارت «سازمان‌های بین‌المللی» به جای «سازمان‌های بین‌الدولی» به کار رفته بود^۳ که در مراحل بعدی این عبارت تغییر کرد.

پرسش مهمی که در این باره مطرح می‌شود این است که وصف «بین‌الدولی» مقرر در ماده ۱۳۳ را به چه شکل می‌توان تفسیر کرد؟ همان‌طور که در بالا ذکر شد مداخلات دوست دادگاه در رسیدگی‌ها در مواد ۸۴ و ۱۳۳ محدود به «سازمان‌های بین‌الدولی» است، اما در اساس‌نامه و قواعد آیین دادرسی مشخصات «سازمان بین‌الدولی» معین نشده است. به‌ویژه آنکه عبارات «سازمان بین‌الدولی»^۴ و «سازمان بین‌المللی»^۵ به صورت متناوب و مکرر به کار رفته‌اند. برای نمونه ماده ۵۲ آیین اطلاع به طرفین را تشریح و به هر دو نوع سازمان اشاره می‌کند. این ماده تصریح می‌دارد که «در مورد مقام بین‌المللی اعماق یا شرکت، هر سازمان بین‌المللی و یا سایر سازمان‌های بین‌الدولی، دادگاه باید همه مکاتبات را به نهاد صالح یا رئیس اجرایی چنین سازمان‌هایی در مقرر آن‌ها ارسال دارد».

در خصوص امکان مداخله دوست دادگاه از سوی سازمان‌های غیردولتی، باید پرسید که آیا «سازمان‌های بین‌الدولی» مذکور در قواعد آیین دادرسی درباره مداخلات دوست دادگاه معادل «سازمان‌های بین‌المللی» تعریف شده در کنوانسیون است؟ آیا دادگاه می‌تواند از سازمان

۱. بر اساس بند ۲ این ماده، مدیر دفتر دیوان باید در مسائلی که در خصوص آن نظر مشورتی دیوان درخواست می‌شود، «به موجب ابلاغ مخصوص و مستقیم به هر دولتی که حق اقامه دعوی در دیوان را دارد یا یک سازمان بین‌المللی که به تشخیص دیوان یا در صورتی که دیوان تشکیل جلسه نداده باشد، به تشخیص رئیس دیوان، توانایی دادن اطلاعات لازم را داشته باشد، اطلاع دهد که دیوان حاضر است اظهارات کتبی آن را دریافت کند یا بیانات شفاهی آن‌ها را در جلسه علنی که برای این منظور تشکیل می‌شود، استماع کند».

۲. بنابراین اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری بین صلاحیت مشورتی و ترافعی دیوان تفکیک قائل می‌شود، زیرا در خصوص صلاحیت ترافعی وصف «عمومی» برای سازمان بین‌المللی به کار رفته است، اما درباره صلاحیت مشورتی هیچ‌گونه تصریحی وجود ندارد.

3. Draft Rules of the Tribunal (Prepared by the Secretariat): Explanatory Note, Preparatory Commission for the International Sea-Bed Authority and for the International Tribunal for the Law of the Sea, Special Commission 4, Doc. No. LOS/PCN/SCN.4/WR2.27, July 1984, draft article 129.

4. Intergovernmental Organization.

5. International Organization.

غیردولتی که به صورت بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، بخواهد که نظرهای خود را به موجب ماده ۸۴ و ۱۳۳ تقدیم کند؟ و اگر پاسخ منفی است، پس وجه تمایز «سازمان‌های بین‌الدولی» و «سازمان‌های بین‌المللی» در ارائه لوایح دوست دادگاه چیست؟ پاسخ به این سؤالات را در رویه دادگاه دنبال می‌کنیم.

دوستان دادگاه در رویه قضایی دادگاه

دادگاه حقوق دریاها رویه‌ای متفاوت با رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری در پیش گرفته است. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد دیوان بین‌المللی دادگستری تاکنون در هیچ‌یک از رسیدگی‌های مشورتی و ترافعی، به سازمان‌های غیردولتی اجازه حضور در قالب دوستان دادگاه را نداده^۱ و با وجود تفاوت اصطلاحی سازمان‌های بین‌المللی در مواد ۳۴ (رسیدگی ترافعی) و ۶۶ (رسیدگی مشورتی)، هر دو را به شیوه‌ای یکسان اعمال کرده است. تنها استثنای این رویه، مجوز اعطایی ۱۹۵۰ دیوان به اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر است^۲ (Lindblom, 2005: 307). قضات دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها به‌منظور تجدیدنظر در شماری از موضوعات مرتبط با آیین دادرسی از جمله مسئله مشارکت دوستان دادگاه، جلسه‌ای در سال ۲۰۰۴ تشکیل دادند.^۳ طی این جلسه ضرورت تصویب قواعدی راجع به مشارکت دوستان دادگاه در دادرسی بررسی

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری با وجود رویکرد مضیق خود نسبت به مشارکت سازمان‌های غیردولتی، در سال ۲۰۰۱ با هدف افزایش کارآمدی، دستورالعملی را برای استفاده دولت‌ها تصویب کرد و در آن لوایح کتبی ارائه‌شده از سوی سازمان‌های غیردولتی را در رسیدگی‌های مشورتی به‌منزله منبع اطلاعاتی پذیرفت. دیوان در جولای ۲۰۰۴ دستورالعمل مذکور را اصلاح و دستورالعمل جدیدی تصویب کرد. به موجب بخش ۷ دستورالعمل جدید در جایی که سازمان غیردولتی به ابتکار خود یک لایحه کتبی در رسیدگی مشورتی تقدیم می‌کند، چنین لایحه‌ای به‌منزله بخشی از پرونده رسمی محسوب نخواهد شد. اما لایحه‌ها در مکان مشخصی در کاخ صلح نگهداری خواهند شد و به همه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که به موجب ماده ۶۶ لایحه تقدیم کرده‌اند، اطلاع داده خواهد شد، تا در صورت نیاز بتوانند با سازمان‌های غیردولتی مذکور که لایحه تقدیم کرده‌اند، مشورت کنند (International Court of Justice, Practice Directions, as at 30 July 2004, Practice Direction XII).

۲. در نظر مشورتی «آفریقای جنوب‌غربی»، اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر خواستار این شد که بتواند اظهارات خود را به صورت کتبی و شفاهی در جریان رسیدگی ارائه دهد (International Status of South West Africa, Advisory Opinion, Letter from the Registrar, ICJ Pleadings 1950: 324). در پاسخ مدیر دفتر دیوان اعلام کرد که دیوان آماده است آن بخش از اظهارات اتحادیه را که به دیوان در جهت بررسی سؤالات حقوقی مطرح از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمک می‌کند، به صورت مکتوب دریافت کند (Ibid, 327).

3. International Tribunal for the Law of the Sea, Statement By Mr. L. Dolliver M. Nelson, President of the International Tribunal for the Law of the Sea, on the Report of the Tribunal at the Fifteenth Meeting of the State Parties to the Convention on the Law of the Sea, June 16, 2005, available At: http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/statements_of_president/nelson/msp_160605_eng.pdf

شد. اما آن‌ها در پایان به این نتیجه نائل آمدند که هنوز خیلی زود است که در این خصوص تصمیم‌گیری کرد، بلکه مسئله مذکور باید از طریق ملاحظه تحولات آتی در رویه قضایی دادگاه حل شود (Annual Rep. ITLOS, 2004: para. 41). سمت و سوی این تحولات نشان از انعطاف در رویه قضایی دادگاه دارد.

مسئله مداخله بازیگران غیردولتی به‌منزله دوست دادگاه در رسیدگی‌های مشورتی برای اولین بار در پرونده شماره ۱۷ با عنوان «محدوده و شمول تعهدات دولت حامی شرکت‌های خصوصی» و در پرونده‌های ترافیعی برای اولین بار در پرونده شماره ۲۲ یعنی «آرکتیک سانرایز»^۱ مطرح شد. لذا در این قسمت با بررسی پرونده‌های مذکور رویکرد دادگاه را در این باره ارزیابی خواهیم کرد.

۱. رسیدگی مشورتی و اتخاذ موضعی منعطف نسبت به مداخله سازمان‌های

غیردولتی

در ۵ مارس ۲۰۱۰ دولت نائورو برای اولین بار پس از تشکیل مقام، از شورای مقام تقاضا کرد تا از شعبه اختلافات بستر دادگاه حقوق دریاهای (رکن صالح برای ارائه نظر مشورتی به مقام) در خصوص فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ درخواست نظر مشورتی کند. درخواست نائورو درباره لزوم شفاف‌سازی «محدوده و شمول تعهدات دولت حامی شرکت‌های خصوصی که در منطقه فعالیت می‌کنند»، بود (Case No. 17, ITLOS, 2010).

در این پرونده دادگاه براساس قواعد آیین دادرسی خود از تعدادی از سازمان‌های «بین‌الدولی» که در مجمع مقام بین‌المللی اعماق دارای وضعیت ناظر بودند، لایحه دوست دادگاه را درخواست کرد.^۲ یکی از سازمان‌هایی که در پاسخ اظهاریه تقدیم کرد، اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN)^۳ بود. در همان زمان علاوه بر سازمان‌هایی که از سوی شعبه دعوت شدند، سازمان‌های غیردولتی صلح سبز^۴ و صندوق جهانی برای طبیعت (WWF)^۵ نیز در ۱۷ اگوست ۲۰۱۰ درخواستی مبنی بر اجازه مشارکت در رسیدگی‌های مشورتی به‌منزله دوست دادگاه به دفتر دادگاه ارسال داشتند. رئیس دادگاه طی نامه‌های جداگانه به آن‌ها اطلاع داد که لایحه آن‌ها به پرونده ملحق نخواهد شد، زیرا مطابق با ماده ۱۳۳ دادگاه تقدیم نشده است. اما در بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و مقام اعماق توزیع خواهد شد. همچنین به

۱. Arctic Sunrise «طلوع خورشید شمالگان».

۲. Ibid.

۳. International Union for the Conservation of Nature (IUCN).

۴. Green peace.

۵. World Wide Fund for Nature.

آن‌ها اطلاع داده شد که لایحه بخشی از پرونده رسمی نخواهد شد (Case No. 17, ITLOS, 2011, para. 13).

دادگاه از یک سو با پذیرش لایحه تقدیمی از سوی اتحادیه به موجب ماده ۱۳۳، (Case No. 17, Statement of IUCN) تصدیق کرد که «سازمان‌های بین‌الدولی» - همان‌گونه که به موجب قواعدش درک می‌شود - شامل سازمان‌های غیردولتی در تعریف سازمان ملل از این اصطلاح می‌شوند. از سوی دیگر، دادگاه لایحه صلح سبز و صندوق جهانی را با استدلال اینکه مخالف قواعد آیین دادرسی دادگاه است، نپذیرفت، اما چند گام برداشت که نشان‌دهنده رفتار مساعدش نسبت به لایحه دوست دادگاه از سوی این دو سازمان است.

۱.۱. رویکرد دادگاه نسبت به اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت

اتحادیه، سازمانی با دو نوع عضو است. در لایحه تقدیمی، سازمان خود را به‌منزله «سازمان بین‌الدولی» معرفی کرده بود (Case no. 17 ITLOS, Statement of IUCN: para. 2)، اما در ادبیات حقوقی و مباحث میان نویسندگان اتحادیه و سلف آن با عنوان سازمان‌های غیردولتی خوانده می‌شود.^۱ اتحادیه در لایحه خود بیان می‌دارد: «اتحادیه قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین شبکه محیط‌زیستی جهانی است که بیش از ۱۰۰۰ دولت و سازمان‌های عضو غیردولتی و تقریباً ۱۱۰۰۰ دانشمند داوطلب و کارشناس در بیش از ۱۶۰ کشور دارد» (Case no. 17 ITLOS, Statement of IUCN: para. 3). در اساس‌نامه‌اش تصریح بر این دارد سازمان مذکور «به موجب ماده ۶۰ قانون مدنی سوئیس به‌عنوان یک مؤسسه بین‌المللی متشکل از اعضای دولتی و غیردولتی است».^۲

دادگاه با پذیرش لایحه اتحادیه، مفهوم «سازمان بین‌الدولی» را به سازمان غیردولتی نزدیک کرد. مشخصه سازمان‌های دعوت‌شده برای بیان نظرهای خود در مفهوم «سازمان‌های بین‌الدولی» به موجب ماده ۱۳۳ قواعد آیین دادرسی روشن شده است. بدین ترتیب که «سازمان بین‌الدولی» مفهومی موسع‌تر از «سازمان‌های بین‌المللی» به موجب ماده ۳۰۵ کنوانسیون حقوق دریاهاست. سازمان‌های بین‌المللی دو ویژگی دارند: ۱. از سوی دولت‌ها تشکیل شده‌اند و ۲. در خصوص موضوعات تحت قلمرو کنوانسیون، دولت‌های عضو، صلاحیت خود را به سازمان مربوطه واگذار کرده‌اند. از سوی دیگر، «سازمان‌های بین‌الدولی» از جمله سازمان‌هایی به شمار می‌روند که دولت‌هایی به‌منزله عضو دارند. همان‌طور که پرونده شماره ۱۷

1. See Anna-Katharina Wobse, "The World After All Was One: The International Environmental Network of UNESCO And IUPN", *Contemporary European History*, vol. 20, august 2011, 331.

2. International Union for Conservation of Nature and Natural Resources, Statutes and Regulations, art. 1, Sept. 14, 2012, available at: http://cmsdata.iucn.org/downloads/statutes_en.pdf.

نشان می‌دهد مشخصه تعریفی، نوع سندی نیست که سازمان بر آن اساس پایه‌گذاری شده است، زیرا اتحادیه به‌منزله مؤسسه به موجب قانون مدنی سوئیس تأسیس شده است. اما «بین‌الدولی» در مفهومی است که اعضای آن‌ها دولت‌ها هستند، حال آنکه اعضای آن علاوه بر دولت‌ها، شامل افراد و سازمان‌های غیردولتی نیز می‌شود. بنابراین، رویکرد دادگاه در این پرونده نشان داد که اعضای «سازمان‌های بین‌الدولی»، برخلاف «سازمان‌های بین‌المللی» منحصر به دولت‌ها نیست. چنین تفکیکی از سازمان‌ها، ما را به تعریف شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد از سازمان غیردولتی می‌رساند که به موجب آن اتحادیه جهانی طبیعت سازمانی غیردولتی است.

اصطلاح «سازمان غیردولتی» برای اولین بار در ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد به کار رفت. این ماده مقرر می‌دارد: «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند، هرگونه تدابیر مناسبی اتخاذ نماید»، اما منشور «سازمان غیردولتی» را تعریف نمی‌کند. در سال ۱۹۵۰ تعریفی از سوی شورای اقتصادی اجتماعی پذیرفته شد که بیان داشت به‌منظور تدابیر مشورتی با شورا، سازمان غیردولتی یعنی «... هر سازمان بین‌المللی که از طریق موافقت‌نامه بین‌الدولی ایجاد نشده است». این تعریف در سال ۱۹۹۶ تفصیل بیشتری یافت: «هر سازمانی که از طریق یک نهاد دولتی یا موافقت‌نامه بین‌الدولی تأسیس نشده است، از جمله سازمان‌هایی که اعضای انتصابی از سوی مقامات دولتی را می‌پذیرند، مشروط بر اینکه چنین عضویتی با آزادی بیان دیدگاه‌های سازمان تداخل نداشته باشد ... یک سازمان غیردولتی محسوب خواهد شد». شرایط دیگری نیز چون تطابق اهداف سازمان غیردولتی با روح، اهداف و اصول سازمان ملل متحد بدان اضافه شد. به موجب این تعریف، اتحادیه سازمانی غیردولتی است، زیرا تعریف سازمان ملل از سازمان غیردولتی مانع از شناسایی سازمان‌هایی است که منحصراً از سوی دولت‌ها تأسیس شده‌اند. این در حالی است که سازمان مذکور با عنوان اتحادیه بین‌المللی برای حمایت از طبیعت (IUPN) در زمان پایه‌گذاری‌اش در سال ۱۹۴۸، آمیزه‌ای از دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی بود. از سوی دیگر، اهداف سازمان نیز از زمان تأسیس که مرتبط با اهداف و اصول سازمان ملل بود، تغییری نکرده است.

۱. ۲. رفتار مساعد دادگاه نسبت به لایحه صلح سبز و صندوق جهانی برای طبیعت

لوائح سازمان‌های صلح سبز و صندوق جهانی برای طبیعت در پرونده رسمی درج نشد، اما اقدامات دادگاه در خصوص لوائح مذکور، نشان‌دهنده رویکرد مساعد دادگاه نسبت به مشارکت سازمان‌های غیردولتی است. قواعد آیین دادرسی دادگاه در خصوص انتشار لایحه سازمان‌های غیردولتی ساکت است. ماده ۱۳۴ قواعد آیین دادرسی در این باره بیان می‌دارد: «بیانیه‌های

مکتوب و اسناد ضمیمه بعد از ارائه به شعبه، باید تا جایی که امکان دارد، برای همگان قابل دسترس باشد. در اینجا منظور از این «اسناد»، مدارکی است که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی تقدیم کرده‌اند. اما دادگاه در این پرونده فراتر از مقررۀ مذکور عمل و علاوه بر این نوع اسناد، لایحه سازمان‌های غیردولتی را نیز منتشر کرد (Donald, 2013: 2). بدین ترتیب نمایش آن در پایگاه اینترنتی دادگاه و بازنشر آن در سایر وبسایت‌ها و پایگاه‌های علمی، به بحث و بررسی استدلالات دوست دادگاه در میان مخاطبان و محققان کمک زیادی کرد. علاوه بر این، پاسخ دادگاه به تقدیم‌کنندگان لایحه دربردارندۀ این تعهد است که لایحه آن‌ها در پایگاه اینترنتی دادگاه نمایش داده خواهد شد. نامه مذکور مقرر می‌دارد که «بیانیه در وبسایت دادگاه در یک بخش جداگانه اسناد مرتبط با پروندۀ شماره ۱۷ تحت عنوان «بیانیه‌های تقدیمی از سوی سازمان‌های غیردولتی»، قرار داده خواهد شد»^۱.

از سوی دیگر، با توزیع لایحه بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی، دادگاه به طرف‌های اختلاف اجازه می‌دهد که استدلالات و نگرانی‌های مندرج در لایحه را در نظر بگیرند. قواعد آیین دادرسی به صراحت به دادگاه اجازه چنین کاری را نداده است، اما دادگاه لایحه سازمان‌های غیردولتی مذکور را در بین دولت‌های عضو، مقام اعماق و سازمان‌هایی که بیانیه‌های خود را دادند، توزیع کرد. رأی متذکر می‌شود که این نهادها، «مطلع خواهند شد که سند مذکور بخشی از پروندۀ رسمی نبوده و در یک بخش جداگانه پایگاه اینترنتی دادگاه به اشتراک گذاشته خواهد شد» (Case no. 17 ITLOS, 2011: para. 13). درواقع با اینکه دادگاه در نامه خود به تقدیم‌کنندگان لایحه اطلاع داد که لایحه آن‌ها در پروندۀ رسمی درج نخواهد شد، اما دربردارندۀ تعهدی است مبنی بر اینکه دولت‌های عضو و سازمان‌های بین‌الدولی شرکت‌کننده در رسیدگی‌های مشورتی از دریافت لایحه مطلع خواهند شد و نسخه الکترونیکی آن را دریافت خواهند کرد. بنابراین، دادگاه به سازمان‌های غیردولتی اجازه داد که بدین شیوه اهداف موردنظر از طریق مشارکت رسمی‌شان در پرونده حاصل شود.

۲. رسیدگی ترافیعی و موضع سختگیرانه دادگاه

پروندۀ کشتی آرکتیک سانرایز اولین موردی است که در آن سازمانی غیردولتی برای شرکت در روند رسیدگی به پرونده‌ای ترافیعی اعلام علاقه و آمادگی کرد. کشتی آرکتیک سانرایز دارای تابعیت هلند و متعلق به سازمان غیردولتی صلح سبز است. در این قضیه که چند تن از خدمه با ترک کشتی آرکتیک سانرایز (کشتی مادر) در منطقه اقتصادی-انحصاری روسیه و ورود به منطقه ایمنی سکوی نفتی روسیه در قطب شمال، قصد بالارفتن از سکو

1. ITLOS.ORG, available at: <http://www.itlos.org/index.php?id=109>.

برای نمایش اعتراضشان به عملکرد زیست‌محیطی آن دولت را داشتند، به بازداشت نیروهای روسی درآمدند. دادگاه روسیه دستور به توقیف کشتی را داد. شعبهٔ گارد ساحلی ادارهٔ امنیت فدرال دولت روسیه نیز ناخدای کشتی را به سبب سرپیچی از اجرای دستور گارد ساحلی به توقف و اجازهٔ بازرسی کشتی، به ارتکاب یک «جرم اداری» مجرم شناخت و جریمه کرد.

به دنبال توافق نداشتن طرفین برای تشکیل دادگاه داوری و بی‌نتیجه ماندن درخواست هلند برای آزادی فوری کشتی^۱، دولت هلند به‌منزلهٔ دولت صاحب پرچم براساس مواد ۲۸۳، ۲۸۶ و ۲۸۸ کنوانسیون، در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۳ از دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای، درخواست صدور دستور موقت برای آزادی فوری کشتی مذکور و خدمهٔ آن را کرد که در بازداشت گارد ساحلی روسیه بود. دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای نیز در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳، به دولت روسیه دستور داد کشتی آرکتیک سانرایز و همهٔ خدمهٔ آن (از اتباع دولت‌های مختلف از جمله روسیه) را آزاد کند و به آن‌ها اجازهٔ ترک سرزمین و مناطق دریایی تحت صلاحیتش را در ازای سپردن وثیقه‌ای به مبلغ سه میلیون و ششصد هزار یورو یا تضمین مالی دیگر دهد (ITLOS, Arctic Sunrise, 2013: 105).

در این قضیه سازمان صلح سبز از دادگاه درخواست مجوز کرد که در رسیدگی دادگاه به لایحهٔ هلند مبنی بر صدور قرار اقدام موقت علیه روسیه شرکت کند (ITLOS, Arctic Sunrise, 2013: 15). زیرا در این پرونده، سازمان صلح سبز مستقیماً تحت تأثیر این پرونده و مرتبط با آن بود. این تأثیر را می‌توان با نگاهی به ترتیبات مالی پرونده نیز مشاهده کرد، زیرا با آنکه دولت هلند وثیقهٔ مالی تعیین شده از سوی دادگاه را پرداخت کرد، اما درحقیقت این سازمان صلح سبز بود که این مبلغ را تأمین کرد و در اختیار دولت هلند قرار داد.

اما دادگاه نه‌تنها لایحهٔ تقدیمی را در پروندهٔ رسمی درج نکرد، بلکه بر خلاف پروندهٔ شمارهٔ ۱۷، تصمیم گرفت که اظهارات مذکور را در وبسایتش منتشر نکند (ITLOS, Arctic Sunrise, 2013: 18). حال اینکه چرا دادگاه چنین موضع سختگیرانه‌ای نسبت به مشارکت صلح سبز اتخاذ کرد، شاید بتوان پاسخ آن را در ماهیت دعوی و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه یافت، زیرا برخلاف رسیدگی‌های مشورتی، در رسیدگی‌های ترافیکی رضایت طرفین دعوی از ارکان اصلی چنین رسیدگی‌هایی قلمداد می‌شود. در این قضیه نیز دولت هلند نسبت به تقدیم

۱. براساس بند ۵ مادهٔ ۲۹۰ کنوانسیون حقوق دریاهای، دادگاه حقوق دریاهای منوط به تشکیل دادگاه داوری براساس کنوانسیون یا توافق نداشتن طرفین در این خصوص طی دو هفته، در صورتی که در ظاهر امر احراز کند که دادگاه داوری که تشکیل خواهد شد صلاحیت رسیدگی به اختلاف را دارد و فوری بودن وضعیت چنین اقتضا کند، می‌تواند به درخواست هر یک از طرفین به صدور دستور موقت اقدام کند. دولت هلند در ۴ اکتبر ۲۰۱۳ طی یادداشتی دیپلماتیک درخواست تشکیل دادگاه داوری براساس ضمیمهٔ هفتم کنوانسیون را به دولت روسیه اعلام کرد. درخواست هلند برای آزادی فوری کشتی و خدمهٔ آن بی‌نتیجه ماند و مهلت دو هفته‌ای مقرر در بند ۵ مادهٔ ۲۹۰ نیز سپری شد.

لایحه سازمان صلح سبز اعتراضی نداشت (ITLOS, Arctic Sunrise, 2013: para. 17)، اما نظر فدراسیون روسیه در خصوص دخالت صلح سبز در پرونده منفی بود (ITLOS, Arctic Sunrise, 2013: para. 19). از سوی دیگر، دولت روسیه از حضور در جریان رسیدگی خودداری کرد. حال آنکه اگر یکی از طرفین دعوا از حضور در دادگاه امتناع کند، دادگاه موظف است که از حقوق رویه‌ای دو طرف دعوا حفاظت (به‌خصوص طرف غایب در دادگاه) و شرایط اعمال اصل برابری طرفین را فراهم کند. وظیفه دادگاه برای تضمین برابری سلاح‌ها - برای مثال زمان برابر برای ارائه اسناد، مدارک و لوایح، همچنین فرصت مساوی برای به چالش کشاندن ادله ارائه‌شده از سوی طرف مقابل - به دلیل حضور نداشتن روسیه بسیار دشوار شده بود. در چنین شرایطی دادگاه به‌ندرت به کسی که یکی از طرفین با حضور وی مخالف است اجازه ورود می‌دهد.

نتیجه‌گیری

از آن زمان که سازمان‌های غیردولتی به‌منزله یکی از شاخصه‌های بارز جامعه مدنی شناخته شدند، آن‌ها همواره درصد ارتقای نقش و جایگاه خود در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل برآمده‌اند. یکی از این حوزه‌ها، عرصه حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی است. از آنجا که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی درگیر در دعوا نمی‌توانند منافع یا نظرهای جامعه یا گروه‌های خاصی را در یک جامعه بزرگ‌تر به طرز شایسته‌ای نشان دهند، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند چنین نقشی را بر عهده گیرند و در پی دفاع از منافع عمومی برآیند. اما از آن جهت که مخاطبان مستقیم حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شوند، اصولاً نمی‌توانند مخاطب یک اختلاف بین‌المللی قرار گیرند. به همین دلیل تنها شیوه برای ترتیب اثر دادن به نظرهای سازمان‌های غیردولتی، قبول اظهارات آن‌ها به‌منزله دوست دادگاه است. اما واکنش مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی نسبت به حضور آن‌ها به‌منزله دوست دادگاه یکسان نبوده است. در این میان دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها بر خلاف دیوان بین‌المللی دادگستری در رویه خود اندکی انعطاف نشان داده است که نمود آن را می‌توان در دو پرونده اخیر مطرح‌شده در دادگاه ملاحظه کرد.

دادگاه در پرونده شماره ۱۷ به دو شکل نسبت به تقدیم لایحه از جانب سازمان‌های غیردولتی رویه‌ای منعطف در پیش گرفت. از یک طرف با دعوت از اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت، مفهوم سازمان بین‌الدول را به تعریف سازمان غیردولتی نزدیک کرد، زیرا اتحادیه نه براساس یک موافقت‌نامه بین‌المللی تأسیس شده و نه ترکیبی انحصاری از دولت‌هاست. بنابراین، بنا به تعریف سازمان ملل متحد اتحادیه سازمانی غیردولتی است. از سوی دیگر، دادگاه لوایح تقدیمی سازمان‌های صلح سبز و صندوق جهانی برای طبیعت را به‌منزله بخشی از

پرونده رسمی نپذیرفت، اما با انتشار لوایح مذکور فراتر از ماده ۱۳۴ قواعد آیین دادرسی عمل کرد، زیرا ماده مذکور تنها انتشار اسناد و مدارکی را پیش‌بینی کرده که از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی تقدیم شده است. علاوه بر این، ضمن توزیع لایحه بین دولت‌های عضو، مقام اعماق و سازمان‌های بین‌المللی، متذکر شد که این نهادها از دریافت لایحه مطلع خواهند شد و نسخه الکترونیکی آن را دریافت خواهند کرد. بنابراین، دادگاه به سازمان‌های غیردولتی اجازه داد اهدافی که قرار بود از طریق مشارکت رسمی‌شان در پرونده حاصل شود، بدین شیوه تحقق یابد. اما دادگاه در پرونده آرکتیک سانرایز نه تنها لایحه تقدیمی را در پرونده رسمی درج نکرد، بلکه برخلاف پرونده شماره ۱۷، تصمیم گرفت که اظهارات مذکور را در وبسایتش منتشر نکند. رویکرد سختگیرانه دادگاه در این پرونده را می‌توان ناشی از ماهیت ترافعی دعوی و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه دانست.

منابع

الف) فارسی

۱. رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۷). «حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی»، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲.

ب) انگلیسی

- Books

2. Bossche, Peter Van den (2005). *The Law and Policy of the World Trade Organization Text, Cases and Materials*, Cambridge University Press.
3. Lindblom, Anna-Karin (2005). *Non-Governmental Organisations in International Law*, Cambridge University Press.

- Articles

4. Donald K. Anton and Et.al. (2013). "Advisory Opinion on Responsibility and Liability for International Seabed Mining (ITLOS Case No. 17): International Environmental Law in the Seabed Disputes Chamber", *ANU College of Law Research Paper*, No. 11-06.
5. Gómez, Katia Fach (2012). "Rethinking The Role of Amicus Curiae In International Investment Arbitration: How To Draw The Line favorably For The Public Interest", *Fordham International Law Journal*, Vol. 35.
6. J. Rivera Juaristi Francisco (1982-2013). "The Amicus Curiae in the Inter-American Court of Human Rights".
7. Lauterpacht, Hersch (1947). "The Subjects of the Law of Nations", *The Law Quarterly Review*.
8. Rah & wallrabenstein (2006). "Sustainability Needs Judicial Support: What Does

the International Tribunal for the Law of the Sea (ITLOS) Offer in This Respect?", in *International Maritime Organisations and their Contribution Towards a Sustainable Development*, Peter Ehlers & Rainer Lagoni.

9. Re, Loretta, (1984). "Amicus Curiae Brief: Access to the Courts for Public Interest Associations", 14 *Melb. U. L. Rev.* 522.
10. Shelton, Dinah (1995). "The Participation of Nongovernmental Organizations in International Judicial Proceedings", *The American Journal of International Law*, Vol. 88.
11. Wobse, Anna-Katharina (2011). "The World After All Was One: The International Environmental Network of UNESCO And IUPN", *Contemporary European History*, vol. 20.
12. Zengerling, Cathrin (2008). "NGOs versus European Pirates: Fisheries Agreements, IUU Fishing and ITLOS in West African Cases", in *International Environmental Law Making And Diplomacy Review* 107, 121.

- Documents

13. Draft Rules of the Tribunal (Prepared by the Secretariat): Explanatory Note, Preparatory Commission for the International Sea-Bed Authority and for the International Tribunal for the Law of the Sea, Special Commission 4, Doc. No. LOS/PCN/SCN.4/WR2 .27, July 1984, draft article 129.
14. I.C.J., Asylum case (Colombiav. Peru), 1949–1950, judgement of 20 November 1950.
15. I.C.J., Letter from Robert Delson, Asylum case, 1950 ICJ Pleadings, II, 1950.
16. I.C.J., Telegram from the Registrar, Asylum case, 1950 ICJ Pleadings.
17. I.C.J., International Status of South West Africa, (1950) Advisory Opinion, Letter from the Registrar, ICJ Pleadings
18. International Union for Conservation of Nature and Natural Resources, Statutes and Regulations.
19. International Court of Justice, Practice Directions, 30 July 2004, Practice Direction XII.
20. International Court of Justice, Rules of Court (1978), as Amended on 5 December 2000
21. ITLOS, Rules of the Tribunal, sec. H, 17 March 2009, available at: http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/basic_texts/Itlos_8_E_17_03_09.pdf
22. I.T.L.O.S, Case No. 17: Responsibilities and obligations of states sponsoring person and entities with respect to activities in the international seabed area, ORG, available at: http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_17/StatementIUCN.pdf.
23. I.T.L.O.S, Case No. 17, available at: <http://www.itlos.org/index.php?id=109>.
24. I.T.L.O.S, Case No. 17.ORG, available at: <http://www.itlos.org/index.php?id=109>.
25. I.T.L.O.S, Statement By Mr. L. Dolliver M. Nelson, President of the International Tribunal for the Law of the Sea, on the Report of the Tribunal at the Fifteenth Meeting of the State Parties to the Convention on the Law of the Sea, June 16, 2005, available At: http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/statements_of_president/nelson/msp_160605_eng.pdf.
26. I.T.L.O.S, The "Arctic Sunrise" Case, Request For The Prescription of

- Provisional Measures. 22 November 2013.
27. I.T.L.O.S, Written Statement of International Union for Conservation of Nature & Natural Resources, Aug. 19, 2010, available at: http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/cases/case_no_17/StatementIUCN.pdf.
 28. U.N. Convention on the Law of the Sea (UNCLOS)
 29. U.N.C.L.O.S, Agreement relating to the Implementation of Part XI of the Convention.
 30. UNCLOS, SPLOS/122, Mar. 30, 2005, art. 41, available at: http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/annual_reports/ar_2004_e.pdf
 31. W.T.O., United States-Lead and Bismuth 2, *WT/DS138/AB/R*, 10 May 2000.